

## فراز و فرود طرح انتقال آب در اسپانیا

در دست داشت در سال ۲۰۰۱ تصویب کرد، نهایتاً در نتیجه امتناع کمیسیون اروپایی در تأمین مالی پروژه، مخالفت‌های مردمی در مادرید، بارسلونا و بروسل، و پیروزی سوسیالیست‌ها در انتخابات سال ۲۰۰۴، طرح به تعویق افتاد.

### شرایط جدید

به نظر می‌رسید سیاست آب اسپانیا پس از ۲۰۰۴، ساخت سازه‌های آبی بزرگ را کنار گذاشته و به جای آن روی شیرین‌سازی به عنوان راهکار جدید تأمین تمرکز کرده است. در طرح جدید مدیریت و مصرف آب (AGUA) ساخت حدود ۲۰ کارخانه آب شیرین‌کن در امتداد ساحل مدیترانه (از بارسلونا تا آلمریا) برای تأمین آب، به جای انتقال آب پیش‌بینی شده بود. همزمان، پیاده‌سازی نظام‌نامه اتحادیه اروپایی، و تأکید بیشتر روی توجیه اقتصادی، مدیریت تقاضا، حفاظت محیط‌زیست و مشارکت اجتماعی در اولویت قرار گرفت. با این همه، واکنش جامعه ذینفعان سنتی سیاست آب، به قدر کافی برای تغییر دوران پس از انتخابات سال ۲۰۰۸ و پیروزی دوباره سوسیالیست‌ها تأثیرگذار بود. تیم جدید مدیریت در وزارت محیط‌زیست، امور روستایی و دریایی - که تعیین سیاست‌های آبی را برعهده دارد - نتوانست فرایند برنامه‌ریزی را مطابق نظام‌نامه اتحادیه اروپایی کامل کند، (هنوز هم تا اندازه زیادی متوقف است)، در حالی که تعارض میان مناطق افزایش یافت. انتخابات جدید در سال ۲۰۱۱ دوباره توازن قدرت را تغییر داد، و نقشه سیاسی جدیدی به وجود آورد که هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه‌ای تحت سیطره حزب محافظه‌کار است. هنوز روشن نیست شرایط جدید سیاسی بر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی آب چگونه تأثیر خواهد گذاشت.

با همه این احوال، نتیجه دوره جدید سیاسی هر چه باشد، اکنون نقش‌آفرینان و کنشگران جدید در گفتمان سیاست آب اسپانیا حضور مؤثری دارند. اهداف و اولویت‌های پارادایم جدید، بخشی از فرایند سیاست‌گذاری هستند چرا که آب دیگر در خدمت انحصاری سیاست‌های بخشی قرار ندارد. فلسفه فرهنگ جدید آب اکنون مؤلفه‌ای اساسی از بحث‌های مدیریت آب و الهام‌بخش بحث‌های مشابه در زمینه‌های دیگر، مانند کاربری اراضی و حمل و نقل است. ذینفعان سنتی به مقاومت در برابر تغییرات ادامه می‌دهند، ولی تردیدی نیست که مدیریت آب در اسپانیا دستخوش تغییرات برگشت‌ناپذیر است.

پربارتر شمال به مناطق خشک‌تر جنوب شرق به وسیله پروژه‌های مختلف انتقال بزرگ‌مقیاس میان‌حوضه‌ای آب و با بودجه دولتی است. برای نخستین بار در تاریخ آب اسپانیا، طرح پیشنهادی با مخالفت جدی کنشگران جدید و منتقد اهداف سنتی سیاست آب روبرو شد. کنشگران جدید عبارت بودند از مناطق مبدأ انتقال آب که نقش آب را به عنوان موتور توسعه اقتصادی کشور زیر سؤال بردند و اختیارات بیشتری را در تصمیمات مدیریت آب خواستار بودند، و نیز جنبش‌های زیست‌محیطی که از زمان گذار به دموکراسی در میانه دهه ۱۹۷۰ اهمیت رو به رشدی پیدا کرده بود. پرتغال نیز که نقش چندانی در تصمیمات سیاست آب اسپانیا نداشت، به دلیل اثرات بالقوه انتقال آب در پائین‌دست در حوضه‌های آبریز مشترک، مخالفت خود را با این طرح اعلام کرد.

پارلمان در سال ۱۹۹۵ با طرح بول مخالفت کرد و در سال ۱۹۹۶ دولت محافظه‌کار به قدرت رسید. دولت جدید برنامه‌های مدیریت حوضه آبریز را تصویب و در سال ۲۰۰۰، طرح جامع ملی جدیدی را پیشنهاد کرد. طرح جامع سال ۲۰۰۰ از نسخه ۱۹۹۳ کمتر بلندپروازانه بود، ولی هدف استراتژیک آن همان هدف گذشته دستیابی به "توازن آبی در اسپانیا" بود. ویژگی اصلی این طرح، انتقال سالانه حدود ۱ میلیارد متر مکعب از مصب رودخانه ابرو (Ebro) به والنسیا، موریسیا و آلمریا در شرق و جنوب شرق، و به بارسلونا در شمال بود.

طرح پیشنهادی جدید با مخالفت سازمان‌یافته و آگاهانه دولت‌های منطقه‌ای در مناطق مبدأ، جنبش‌های نیرومند اجتماعی و زیست‌محیطی، و جامعه علمی و دانشگاهی روبرو شد. مخالفان طرح، پایداری پروژه را از نظر زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و برابری منطقه‌ای زیر سؤال بردند.

ائتلاف مخالفان، استراتژی مؤثر و هماهنگی در پیش گرفت که عبارت بود از بسیج اجتماعی در حوضه‌های مبدأ و دریافت‌کننده؛ آموزش عمومی و آگاهی‌بخشی؛ آگاهی‌بخشی در اتحادیه اروپایی (که قرار بود به تأمین مالی پروژه کمک کند)؛ و انتشار مطالعات و گزارش‌های فراوان که در آنها پایداری اجتماعی - اقتصادی و اثرات زیست‌محیطی پروژه زیر سؤال برده شدند. دانشمندان و متخصصان عضو بنیاد فرهنگ جدید آب نیز در تبیین اصول تقویت‌کننده مدیریت جدید آب و اهداف سیاست آب، مؤثر بودند. پارادایم جدید، خواهان تغییر در سیاست آب بود. به بیانی دیگر خواهان آن بود که به جای اتکای صرف به ساخت پروژه‌های بزرگ، که مسبب اثرات برگشت‌ناپذیر زیست‌محیطی و اجتماعی هستند، به مدیریت تقاضا و مشارکت مردمی اهمیت داده شود. با اینکه این طرح را دولت که اکثریت آن را حزب خلق

**حمید پشتوان\*** - سیاست و مدیریت آب در اسپانیا دستخوش تغییرات ژرفی است. تعارضات به وجودآمده میان ذینفعان سنتی و مصرف‌کنندگان جدیدی که در دهه‌های اخیر قدرت پیدا کرده‌اند، نقش مهمی در این تغییرات ایفا می‌کند.

بیش از ۱۰۰ سال است که سیاست و مدیریت آب در اسپانیا ابزار تغییرات اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌شود. سرمایه‌های کلانی (دولتی و خصوصی) برای توسعه زیرساخت‌های تأمین آب هزینه شده است و امروز اسپانیا به بیش از ۱۲۰۰ سد، ۲۰ کارخانه آب شیرین‌کن - و تعداد بیشتری که در حال ساخت است - و چندین طرح انتقال میان‌حوضه‌ای آب مجهز است. این نظام در ظاهر بسیار موفق بوده، چرا که توانسته است موجودی آب را افزایش دهد و تکیه‌گاه مطمئن توسعه اقتصادی باشد و اسپانیا موارد اندکی از کمبود آب را برای تأمین آب شهری تجربه کند. این موفقیت از حمایت گسترده حلقه بسته ذینفعان نیرومند سیاست آب متشکل از مدیران آبی، تشکلهای آبیاری، شرکت‌های تولید برقایی و سرمایه‌گذاران خصوصی برخوردار بوده است.

با این همه، امروز این توافق تاریخی در بحران قرار گرفته است. خسارت‌های زیست‌محیطی ناشی از سیاست‌های گذشته اکنون آشکار شده‌اند، و هنوز هم مطالبات آبی به ویژه در مناطقی مانند حوضه‌های آبریز سگورا (Segura)، جوکار (Júcar) یا تاگو (Tajo) که اکوسیستم‌های آبی آنها از بین رفته‌اند، تأمین‌نشده است.

از سویی دیگر، سطح آگاهی مردم درباره مسائل زیست‌محیطی ارتقا پیدا کرده است. علاوه بر این، مطالبات جدیدی برای حمایت از اهداف نظام‌نامه مدیریت آب اتحادیه اروپا (WFD) وجود دارد. اینک مصرف‌کنندگان و ذینفعانی که قبلاً دخالت اندکی در تصمیم‌گیری‌های سیاست آب داشتند، اعطای امتیازات بلندمدت به مصرف‌کنندگان سنتی آب و حقوق بلندمدت استفاده از آب را نیز زیر سؤال می‌برند. افزون بر این، قدرت رو به رشد مناطق خودمختار حاکی از آن است که تعارضات میان مناطق بر سر تصمیمات تخصیص آب بیشتر خواهد شد.

### مخالفت با طرح‌های بزرگ

امروزه، سیاست و نظام مدیریت آب در اسپانیا در شرایط گذار قرار دارد. سرآغاز این تغییر به پیش‌نویس طرح جامع آب سال ۱۹۹۳ باز می‌گردد. این طرح در افواه عمومی با نام طرح بول (Borrell) شناخته می‌شود (نخست‌وزیر وقت اسپانیا). این طرح تا اندازه زیادی ملهم از ایده‌آل‌های اوایل قرن بیستم، یعنی کمک به توسعه اقتصادی با انتقال مقادیر زیاد آب از منطقه